

بخش دوم سرمایه

تبدیل سرمایه به پول

۱- فرمول عام سرمایه

- گردش کالا نقطه آغاز سرمایه است
- مبادله مستقیم کالا: C-C
- مبادله کالا ها با وساطت پول: C-M-C
- گردش سرمایه یا پول: M-C-M+ ΔM
- گردش C-M-C مبادله برابر است اما سودمند
- گردش M-C-M در صورتی که مبادله برابر باشد، بی معنی است
- پول اضافی یا ΔM در معادله بالا ارزش اضافی است
- این حرکت آن را به سرمایه تبدیل می کند

۱ - فرمول عام سرمایه

- منطق تاریخی سرمایه: سرمایه داری از قرن شانزدهم میلادی در عرصه تجارت و بازار جهانی پدید آمد.
- شکل عمده سرمایه را سرمایه تجاری و سرمایه مالی تشکیل می داد
- این دو شکل سرمایه پیش شرط سرمایه صنعتی را رقم زد و این دو شکل با سرمایه صنعتی متفاوت می باشد
- سرمایه صنعتی شکل تکامل یافته شیوه تولید سرمایه داری است
- سرمایه صنعتی شکل عمده سرمایه است که اشکال دیگر سرمایه تابع آن است

۱ - فرمول عام سرمایه

منطق دیالکتیکی سرمایه:

C-C

گردش کالا شروع سرمایه

C-M-C

گردش کالا با وساطت پول
توسعه می یابد

M-C-M

این گونه گردش زمانی صورت می گیرد که پول
آخری از اولی بیشتر باشد

۱ - فرمول عام سرمایه

- سرمایه پولی است که برای کسب سود استفاده می شود
- سرمایه ارزش در حرکت است که اشکال متفاوت بخود می گیرد، سرمایه پول است و سرمایه کالا است.
- با اشکال متفاوت، ارزش فاعل پروسه است
- ارزش افزایی سرمایه بی نهایت است
- پروسه $M-C-M+\Delta M$ مدام تکرار می شود

۲ - تضاد های فرمول عام سرمایه

- شکل گردش که پول به سرمایه تبدیل می شود، نظم وارونه توالی دو فرایند متضاد خرید و فروش است

C-M-C

(خرید M-C فروش C-M)

M-C-M

(فروش C-M خرید M-C)

۲ - تضاد های فرمول عام سرمایه

- پرسش اصلی: ارزش اضافی از کجا می آید؟
- اقتصاددان های بورژوازی:
- مبادله کالاها مبادله ارزش برابر است (زمانیکه مارکیت در توازن باشد)
- اگر منشأ ارزش اضافه در گردش کالا ها نیست، پس این ارزش نتیجه ارزش استعمال است. (کندياک)
- تقاضای موثر: مفروض گرفتن طبقه طفیلی که فقط خریدار و مصرف کننده اند و یا تجارت جهانی (مالتوس)
- مبادله ارزش نابرابر در اشکال تجارتي و سرمایه رباخوار ماقبل سرمایه داری صنعتی وجود داشت.
- سود در عرصه مبادله فقط در توزیع ثروت نه به مقدار کلی ثروت می تواند موثر باشد.

۳ - فروش و خرید نیروی کار

- نیروی کار کالای خاص است که می تواند ارزش اضافی تولید کند
- کار با نیروی کار متفاوت است.
- نیروی کار شامل ظرفیت های جسمی، روانی و انسانی است که تولید کننده ای ارزش کالا هاست.
- برای اینکه نیروی کار به کالا تبدیل گردد باید آزاد باشد. آزادی به معنای مضاعف آن: آزادانه قابل فروش باشد و از هرگونه وسیله تولید نیز آزاد باشد.
- نیروی کار بمتابه کالا بخشا به فروش میرسد. او مالک نیروی کار خود باقی می ماند که برای دوره معین و بطور موقت آن را می فروشد.
- ارزش نیروی کار معادل ارزش نیازمندی های ضروری اعم از غذا، پوشاک، مسکن و غیره است که بتواند ادامه زندگی آن را بمتابه نیروی کار تضمین نماید. ارزش نیروی کار معادل زمان کار لازم برای تولید و بازتولید آن است.
- این زمان کار لازم بخشی از زمان کار نیروی کار است که سرمایه دار آن را به خدمت می گیرد.

۳ - فروش و خرید نیروی کار

- ارزش نیروی کار تابع زمان و مکان و سطح از مدنیت اجتماعی و مبارزه طبقاتی است
- ارزش نیروی کار یکی از مصاف های طبقاتی است که بطور مداوم جریان دارد
- ارزش نیروی کار بر خلاف کالا های دیگر، بهای آن بعد از مصرف آن پرداخته می شود.
- کارگر دایما در مدار C-M-C قرار دارد در حالیکه سرمایه دار جریان M- C- M را دنبال می کند.
- صاحبان پول و کالا از یکسو و نیز کسانی که فقط مالک نیروی کار خویش هستند، هیچگونه اساسی نه در تاریخ طبیعی و نه در تاریخ مشترک و عمومی اجتماعی ندارد. این وضعیت منحصر بفرد سرمایه داری است.
- سرمایه زمانی پدید می آید که مالک وسیله تولید و معاش، کارگر آزاد را در بازار به عنوان فروشنده ای نیروی کار خود می یابد.